

موانع زیست ارتقایی در خانواده از منظر اسلام

دادخدا خدایار^۱

مهدی قائمی راد^۲

ابراهیم فلاح^۳

چکیده

بحران معنویت یکی از آثار و پیامدهای عصر مدرن است. به رغم پیشرفت‌های چشمگیر در علوم پزشکی، روز به روز بر آسیب‌ها و بیماری‌های روحی - روانی افزوده می‌شود و به تبع آن بیماری‌های جسمی نیز گسترش می‌یابد. مطالعات و تجربیات بشر نشان می‌دهد که برای رشد و تزریق معنویت، ضرورت دارد شناخت، توجه، عمل و روی آوردن به دین و احکام آن در اولویت قرار گیرد. اسلام یکی از کانون‌ها و هسته‌های مهم تولید و صدور معنویت را نهاد مقدس خانواده می‌داند.

فلسفه تشکیل خانواده در اسلام بعنوان کوچکترین نهاد اجتماعی ایجاد محبت، نشاط، قداست، معنویت، سلامت، آرامش، آسایش و رشد برای اعضای خود و جامعه است، اما موانع، آفات و آسیب‌هایی باعث می‌شود تا این کانون مقدس در فرایند تشکیل و استمرار خود نه تنها باعث تعالی و ارتقاء فضائل و معنویات نگردد بلکه نتیجه عکس داده و از هم گسیخته شود. به همین منظور هدف در این مقاله آن است تا بر اساس شاخص‌های اسلامی، اهم آفات و انحرافات که مانع رشد معنویت خانواده می‌شود احصاء و بررسی و تحلیل گردد. فرض بر این است که مسائلی چون ازدواج گریزی، خودداری از تولید نسل، کاهش روابط خانوادگی، اسراف و تجمل‌گرایی، تغییر در سبک خواب و بیداری و ... بدلیل ضعف در شناخت‌ها، باورها و ارزش‌های اخلاقی و دینی و تعمد سازمان‌یافته رسانه‌ای و تبلیغاتی مخالفان بدخواه از موانع مهمی است که دامنگیر بسیاری

۱- دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان بلوچستان، ایران (نویسنده مسؤول)
Email: abazeynab@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد قرآن و حدیث

۳- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری، مازندران، ایران

از خانواده‌های مسلمان گشته و به کاهش ارزش‌های معنوی منجر شده است. این نوشتار با روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام و ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی

سلامت معنوی، سبک زندگی، آفات زندگی خانوادگی، موانع رشد معنوی

مقدمه و طرح مسأله

هر مکتب و جهان‌بینی بر اساس نوع هستی‌شناسی و انسان‌شناسی خود، تلقی خاصی از رشد و کمال انسان دارد. بعضی از مکاتب ترقی و تکامل انسان را صرفاً در کمالات دنیوی مثل قدرت و ثروت و لذت دانسته و عده‌ای دیگر رشد روحی، روانی، فکری و ابعاد اخروی را ملاک کمال حقیقی می‌دانند. اما در نگرش جامع، کمال و ترقی انسان در همه ابعاد مادی و معنوی، دنیوی و اخروی و فردی و اجتماعی مدنظر است.

اسلام به عنوان مکتبی جامع، پویا و مترقی، دیدگاهی جامع‌نگر به انسان دارد و هدف از خلقت را رشد و پیشرفت همه جانبه او می‌داند تا به تبع کمال جامع و کامل انسان، سلامت و سعادت جسمی و روحی او و جامعه تأمین گردد. (اعرافی، ۱۳۷۶ ش، ص ۲۹) در آموزه‌های اسلامی رشد و سلامت تک‌بعدی و جزیره‌ای و کاریکاتوری مقبول و مطلوب نیست و باعث وصول انسان به کمال نهایی و ایجاد جامعه ایده‌ال نمی‌گردد. در این مکتب توجه نظام تعلیمی، تربیتی و تلاش نظام سلامت صرفاً برای تحقق اهداف پرورش و رشد و سلامت مادی، دنیوی و بدنی، ناقص و معیوب محسوب می‌شود که کارایی لازم را برای ساختن انسان سالم، صالح و کامل ندارد و نمی‌تواند نیازهای حقیقی انسان را که جنبه روانی و معنوی دارد تأمین کند. در نتیجه آرامش، سلامتی و فضایل و کمالات در خور انسان را به ارمغان نمی‌آورد و جامعه مطلوب انسانی و الهی تشکیل نمی‌گردد و از اضطراب‌ها، دغدغه‌ها، فشارهای روانی، خشونت‌ها، جنگ‌ها و خصومت‌ها نمی‌کاهد. به همین دلیل بشر امروزی نه تنها دچار بیماری‌های روحی و روانی بیشتری گردیده، بلکه این بیماری‌ها منجر به بیماری‌های جسمی وی نیز شده است. (قدرولایت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۰)

بر همین اساس دین مبین اسلام به عنوان تفکری جامع اندیش، انسان را خلاصه و عصاره خلقت و دربردارنده ابعاد مادی و معنوی دانسته، به تمام جنبه‌ها و ابعاد شخصیت ترکیبی وی از قبل از تولد تا بعد از مرگ توجه و عنایت دارد و برنامه‌های متنوعی برای رشد و سعادت مادی و معنوی او پیش‌بینی نموده است. البته در این راستا اساس را رشد و کمال معنوی، روحی و روانی می‌داند و راز پیشرفت حقیقی انسان را قرار گرفتن روی خط معنویت ارزیابی کرده است. (مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۲)

بطور کلی اسلام برنامه‌ریزی و هدف‌گذاری واسطه‌ای رشد همه جانبه انسان را بر محور قرب خدا و سلامت معنوی که هدف نهایی است، در چهار حوزه زیر تعریف کرده است:

الف: ارتباط و تعامل انسان با مبدأ و خداوند، ب: ارتباط و تعامل انسان با خود، ج: ارتباط و تعامل انسان با سایر انسان‌ها، د: ارتباط و تعامل انسان با طبیعت (اعرافی، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۰)

اگرچه همه این حوزه‌ها و ابعاد تحت تأثیر و تأثر یکدیگر هستند اما رکن رکین و اصل اصیل، باور توحیدی است که رویکردی مقدس و معنوی در تمام افکار، اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی در انسان نسبت به سایر حوزه‌ها ایجاد می‌کند و ثمره آن رشد و کمال و قرب و وصول به حضرت حق است که حقیقت و واقعیت معنویت و سلامت را به دنبال خواهد داشت. هر کدام از این ابعاد و حوزه‌ها که بخشی از سبک زندگی اسلامی و زیست ارتقایی را شامل می‌شود از جنبه‌های مختلف قابل بحث و پژوهش است. اما در این نوشتار توجه و تمرکز ما به گوشه‌ای از بخش سوم یعنی کم و کیف ارتباط نظری و عملی انسان

با سایر انسان‌هاست. این حوزه از حیات انسان خود شامل زیرمجموعه‌های متنوعی می‌گردد که از جمله آنها «خانواده» و متعلقات آن است.

در شریعت اسلامی برای رشد و سعادت و سلامت جامع خانواده، احکام، آداب، برنامه‌ها، وظایف، دستورالعمل‌ها، روش‌ها و توصیه‌هایی وجود داشته و دارد (شکور، ۱۳۸۶ ش.، ص ۹) که شناخت و به کار بستن آنها، منجر به قداست و معنویت فضای خانواده و ایجاد بستری شایسته برای کمال همه جانبه انسان و کانونی پر از صفا و صمیمیت و محبت و نشاط و آرامش می‌گردد و منشأ صدور این فضایل نیز می‌شود. «خانواده امتی کوچک است که امت وسط و نمونه را می‌آفریند» (سپاه پاسداران، ۱۳۶۰ ش.، ص ۲۱). تجربه تاریخی تمدن اسلامی این ادعا را تأیید می‌کند. بروز و ظهور عالمان، نخبگان و دانشمندان صالح، عارفان مصلح، حاکمان خادم و اولیاء الله سائنس و ... از میان خانواده‌های اسلامی نمونه‌هایی از ثمرات و نتایج این تفکر و سلوک و زیست ارتقایی است.

اما سؤالی جدی و اساسی در این خصوص مطرح است که به رغم وجود و حضور این شریعت کامل و ناب، هم در ساحت نظری، راهبردی و معرفتی و هم در عرصه عملی و کاربردی خانواده‌های مسلمان، چرا بخش اعظمی از خانواده‌ها در معاشرت درونی، در استحکام و استمرار ساختاری، در تولید نسل سالم و صالح، در تربیت انسان‌های مهذب و مفید، در سازگاری‌های محبت افزا، در معاشرت‌های پویا، در هم‌افزایی معنوی و بطور کلی در سلامت و سعادت زندگی خود ناموفق، ضعیف، ناامید، ناکارآمد و نامطلوب جلوه کرده و می‌کنند و یک خانواده مقبول و ایده‌آل اسلامی به حساب نمی‌آیند؟

در این مقاله که موضوع آن اخلاق زیستی و طب معنوی بعنوان مقدمه و مکمل سلامت جسمی است، سعی شده است تا به این سؤال مهم و اساسی با روش

مطالعه کتابخانه‌ای و تحلیل و توصیف نظری پاسخ داده شود. مطالعات و تأملات نشان می‌دهد، «علاوه بر فاعلیت فاعل، قابلیت قابل نیز شرط است». اندیشه‌های راهبردی و دستورات کاربردی اسلام برای سلامت و رشد معنوی خانواده به اندازه لازم و کافی وجود دارد، اما آفات، موانع، آسیب‌ها و بیماری‌های شناختی و عملی که به عنوان فرهنگی بیگانه جایگزین فرهنگ و تمدن اسلامی در خانواده‌های مسلمان شده است، سلامت و معنویت حقیقی را به یغما برده و بسیاری از مسلمانان با دلخوشی به مجازها، از حقیقت حیات طیبیه خود غافل گشته و دور افتاده‌اند. نمونه‌های بارزی از این آفات و موانع در حیات خانوادگی مسلمانان وجود دارد که در حد وسع این مقاله و بضاعت قلیل نگارنده به آن پرداخته می‌شود. ناگفته نماند که مقیاس و معیار سنجش و ارزیابی ما از خانواده و تعیین آسیب‌ها و موانع و آفات رشد معنویت و سلامت خانوادگی، آموزه‌های اسلامی و قوانین و دستورات معقول و مشروع می‌باشد.

مفهوم‌شناسی

لازم است قبل از ورود به متن اصلی مقاله به شرح اجمالی بعضی از کلید واژه‌ها برای معین شدن گستره و حدود مسأله و موضوع پرداخته شود و هدف از رویکرد و افق مدنظر در این نوشتار تبیین گردد.

۱- خانواده: خانواده بعنوان کوچکترین واحد اجتماعی مفهومی انتزاعی است که در محدودترین گستره مفهومی خود با ازدواج میان مرد و زن شکل می‌گیرد. لذا مفهوم حقوقی آن عبارت است از «یک واحد حقوقی که لااقل از یک زن و مرد که بین آنها رابطه زوجیت وجود پیدا کرده، ناشی می‌شود» (کمالی، ۱۳۸۶ ش،

ص ۲۵۷). باتولد فرزندان مفهوم خانواده گسترده‌تری می‌یابد و با ملاحظه بستگان نزدیک، مفهوم خانواده بزرگ و سپس با در نظر گرفتن همه بستگان، با چند واسطه مفهوم تبار و عشیره شکل می‌گیرد. بنابراین خانواده بر اساس ساختار، تعداد و نقش غالب هر کدام دارای انواع و اقسامی است. (بستان، ۱۳۹۰، ص ۵۵) در این مقاله خانواده در گستره روابط همسران با یکدیگر و فرزندان و روابط متقابل مد نظر است.

۲- **رشد معنوی:** معمولاً رشد و ترقی و کمال و پیشرفت را بر اساس هدف و مراتب هدف‌های مقدماتی، واسطه‌ای و نهایی ارزیابی می‌کنند. از آنجا که رشد و کمال زندگی، بالاخص حیات خانوادگی از جهت کمی و کیفی وابسته به اهداف زندگی است، می‌تواند به نسبت اهداف مادی مثل: ثروت، امکانات، وسایل و ابزار رفاهی، قدرت و مکتب سیاسی و اجتماعی، لذات جسمانی و ... و اهداف معنوی مثل: علم، ایمان، قداست، محبت، مودت، خدمت و مساعدت به خلق، ایثار، انفاق و ... نسبی باشد. به همین دلیل سلامت معنوی به عنوان یکی از ابعاد نظام سلامت، خوشبختی و رستگاری زندگی دنیوی و اخروی را با تکیه بر دین و مذهب، هم در بعد پیشگیری و هم در بعد درمان دنبال می‌کند. به عبارت دیگر رشد معنوی همان ارتقاء سلامت معنوی است که عبارت است از فرایند توانمندسازی افراد جهت افزایش تسلط بر سلامت همه جانبه خود و بهبود آن. (فرج خدا و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵۴۳)

در تشکیل خانواده و تداوم، حفظ و استحکام آن نیز می‌تواند اهداف متفاوتی مدنظر باشد. در این خصوص هم هدف‌های عامی است که عموم مردم در نظر دارند و هم هدف‌های ویژه‌ای که هر زن و مردی ممکن است برای خویش داشته باشند. رفع نیازهای جنسی، تولید نسل، همیاری و همکاری دنیوی و اقتصادی از

یک سو و تأمین مودت و رحمت و آرامش و هم افزایی علمی و معنوی از سوی دیگر از اهداف تشکیل خانواده است. (مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹ ش، ج ۸، ص ۱۱) لذا رشد معنوی در زندگی خانوادگی به معنای ترقی و کمال و پیشرفت همه جانبه و معقول در علوم و شناخت های ضروری، ایمان و اعتقاد و فضائل اخلاقی، اعمال و رفتار صالح و ... می باشد که در سایه آن صفا و محبت و آرامش و سلامت و اعتدال در افراد خانواده حاکم گردد و اعضای آن خانواده مصداق مقربان و انسان های بافضیلت گردند و به همدیگر در طریق کمال و سعادت و سلامت و همزیستی صادقانه کمک و مساعدت نمایند و فرزندان سالم و صالح به جامعه تحویل دهند. بطور کلی از منظر اسلام خانواده ای دارای رشد معنوی است که در آن مادیات جنبه ابزاری داشته باشد نه هدف نهایی، به عبارت دیگر از سلامت جسمی و امکانات رفاهی دنیوی برای قرب به خدا و فضایل الهی استفاده شود.

۳- سبک زندگی: سبک به نسبت رویکرد و نگرش تعاریف و معانی متفاوتی دارد. در لغت عرب به معنای گداختن و ریختن زر و نقره است و در فارسی به معنای نوع خاصی از نظم و نثر است که معادل style اروپایی است. (بهار، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۱۲) سبک زندگی (life style) برای توصیف شرایط زندگی انسان استفاده می شود و سبک هر فرد روشی است که وی برای بیان اندیشه خود بر می گزیند. (محجوب، ۱۳۵۰ ش، ج ۱، ص ۴۹) از مجموع تعاریف متنوعی که درباره سبک زندگی ارائه شده است می توان گفت سبک زندگی شامل رفتارهای فردی و اجتماعی است که ریشه در دانش ها، ارزش ها، باورها و فرهنگ های هر فرد و جامعه دارد. سبک زندگی به عنوان نقشه و راهنمایی است که افراد بر

اساس آن زندگی می‌کنند. با این وصف هر مکتب و ملتی برای زندگی خود سبک و روش خاصی دارد. اما در پاسخ به این سؤال که کدام روش و سبک زندگی بهتر و کامل‌تر و مطمئن‌تر است، باید گفت عقل حکم می‌کند آن سبک و روشی ارزشمندتر و غنی‌تر باشد که خالق و آفریننده عالم و حکیم مطلق هستی و بشر آن را بر اساس فطرت و نیازهای انسان ترسیم و ارائه کرده است. لذا سبک زندگی اسلامی که مبنای نوع معاشرت و زیست خانوادگی مسلمانان است و ریشه در جهان‌بینی و ایدئولوژی توحیدی و قرآنی و اهل بیت (ع) دارد از سایر سبک‌ها کامل‌تر است. (مؤسسه در راه حق، ۱۳۶۱ ش.، ص ۱۵) و (آزیر، ۱۳۹۰ ش.، ص ۱۹) و (جمالی، ۱۳۹۲ ش.، ص ۳۵) سبک زندگی چیزی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد و بخش حقیقی و اصلی تمدن است مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک و ...

ضرورت و ارزشمندی موضوع

خانواده از نظر اسلام و خیلی از ادیان جایگاهی بسیار مهم دارد و سنگ اول بنای حیات جامعه است. هرگونه پیشرفت و خوشبختی در ابعاد مختلف در سایه خانواده سالم حاصل می‌شود و هرچه محیط خانواده سالم‌تر و امن‌تر باشد سعادت و سلامت جامعه ارتقاء می‌یابد. خانواده دانشگاهی است که پایه‌گذار شخصیت افراد است و مرکز اصلاح و افساد فرد و جامعه می‌باشد و نقش بسیار مهمی در پیشگیری از انحرافات و سقوط و نیز رشد و صعود دارد. (نحوی، ۱۳۸۸ ش.، ص ۱۳) زیرا خانواده کارکردهای مختلف حمایتی معنوی، عاطفی و معیشتی دارد که جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت.

خانواده را رکن اساسی جامعه ذکر کرده‌اند و به اهتمام عملی برای سلامت آن سفارش شده است. رهبر فرزانه و حکیم انقلاب اسلامی فرموده‌اند: «مسئله خانواده، مسئله بسیار مهمی است. خانواده پایه اصلی در جامعه است، مسؤول اصلی در جامعه است ... که اگر سالم باشد یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی مجموعه سلول‌هاست. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم پس سلامت آن جهاز را داریم ...» (امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۹۱ ش، ص ۷)

نکته مهمی که از این فرمایش قابل استفاده است. ارتباط سلامت بدنی و روانی افراد با سلامت خانواده می‌باشد. لذا ضرورت دارد که به عوامل و موانع سلامت خانواده و حفظ و رشد آن اهتمام ورزید. چرا که «خانواده رکن طبیعی و اساس اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه بهره‌مند شود.» (جعفری، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۲۴) ایده‌آل زندگی و زندگی ایده‌آل بدون دخالت عالمانه و عاقلانه و مدبرانه خانواده میسر نمی‌باشد. بعضی از شاعران اسلامی ایرانی، به خاطر اهمیت موضوع خانواده در ابعاد مختلف آن از جمله سلامت خانواده شعر سروده‌اند. فردوسی در همین زمینه آورده است:

بدانگه که لوح آفرید و قلم	بزد بر همه بودنی‌ها رقم
جهان را فزایش ز جفت آفرید	که از یک، فزونی نیاید پدید
اگر نیستی جفت اندر جهان	بماندی توانایی اندر نهان
دلاور که پرهیز جوید ز جفت	بماند به آسانی اندر نهفت
چه مهتر چه کهتر چو شد جفت جوی	سوی دین و آئین نهادست روی
	(کرمی، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۹۳)

مهم‌تر اینکه احساس امنیت روانی در تعاملات اجتماعی هدیه‌ای است که در پرتو آن بستر مناسبی برای بروز توانمندی‌ها و ارضای نیازهای مادی و معنوی و حصول سلامت فردی و اجتماعی ایجاد می‌شود. یکی از پایه‌های اصلی این بستر خانواده است. خانواده همچون دانه‌ای است که علاوه بر کاشت و تأمین مقدمات و امکانات لازم برای جوانه زدن نیاز به داشت و نگهداری و حفاظت و مواظبت دارد. زیرا علاوه بر ایجاد کردن اقتضائات باید موانع نیز مفقود و معدوم گردد. برای این کار باید ابعاد مسأله را دید تا خانواده محلی برای ایمان، معرفت، محبت و معنویت شود. (مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۶ ش، ج ۲، ص ۱۰) از این جهت ضرورت دارد تا به موضوع شناخت آفات، آسیب‌ها و موانع رشد معنویت در خانواده که نقشی بی‌بدیل در سلامت و حفظ و ارتقاء آن دارد پرداخته شود. زیرا درمان مؤثر و بهبودی کامل زمانی میسر است که تشخیص بیماری هرچه بهتر و زودتر انجام شود.

عناصر و مؤلفه‌های خانواده

خانواده بعنوان کانون مؤثر و ارزشمند که محوریت و اساس جامعه را تشکیل می‌دهد نهادی است با فرایند، عناصر و مؤلفه‌هایی که هر کدام اصل و رکنی در ایجاد و تشکیل آن محسوب می‌شود. به همین دلیل ساختار ترکیبی دارد از مراحل و اجزایی که می‌توان به قرار ذیل شمارش کرد. ازدواج با مقدمات و آداب و متعلقات آن، همسران (مرد و زن) و آئین و ضوابط مربوط به آنها، فرزندان و کم و کیف روابط و مسائل آن، خویشاوندان نسبی و سببی خانواده و آداب و روابط خویشاوندی (صله ارحام)، مسکن، پوشش، تغذیه، شغل، اقتصاد، عبادات، تفریحات، وسایل خانگی، بهداشت و ... هر کدام اصل و یا فرعی از مؤلفه‌ها و

عناصر یک خانواده را تشکیل می‌دهد؛ به نحوی که هر یک از این بخش‌ها خود موضوعی مستقل است که گنجایش بحث مفصلی دارد و می‌توان درباره عوامل و موانع رشد و عدم رشد و بایدها و نبایدهای آن مقالات و کتاب‌هایی تحریر کرد. اما به رغم تولید نوشته‌های قابل توجهی در خصوص ابعاد و ارکان خانواده، این نیاز همچنان ضروری به نظر می‌رسد.

در این نوشتار بدلیل گستردگی مطالب برای جلوگیری از اطاله کلام، بنابر اختصار و اجمال است و در حد فهرست به آسیب‌ها، آفات و موانع رشد معنوی و انسانی خانواده بسنده می‌شود.

ازدواج و موانع معنویت آن

از آنجا که نهاد مقدس خانواده با ازدواج شکل می‌گیرد، بحث را با این موضوع آغاز می‌کنیم. تعالیم عالیه اسلام به رغم مکاتب رهبانی بر انجام ازدواج و تشکیل خانواده بسیار تأکید کرده و قرآن بعنوان منبع اصلی آموزه‌های اسلام امر به ازدواج کرده است. (نور/۳۲) لذا عده‌ای وجوب ازدواج برای کسانی که نیاز به آن دارند و جز از طریق ازدواج پاکی و سلامت آنها تأمین نمی‌گردد را با استفاده از این آیه توجیه کرده‌اند. (انصاریان، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۶) نظام ترکیب و تزویج و هم‌زیستی از منظر قرآن در همه آفریده‌ها برای توالد و تناسل قرار داده شده است. (ذاریات/۴۹) اما فلسفه و حکمت ازدواج در انسان بسی بالاتر از تولید نسل است. در انسان ازدواج عامل سکون و آرامش و عشق و محبت و مهربانی و کسب کمالات و فضائل معنوی و سلامت روحی و جسمی است. (روم/ ۲۱) و در روایات ازدواج عامل عنایت و رحمت حق، نیک‌بختی، محبوب خدا شدن، نیکو

شدن اخلاق، گسترش روزی، ازدیاد جوانمردی، حفظ دین و تقوی، پذیرفته شدن عبادات، پاک‌چشمی و پاک‌دامنی، سعادت، محفوظ ماندن از شیطان و ... دانسته شده و عزب ماندن و ازدواج نکردن نکوهش و تقبیح شده است. (مجلسی، ۱۳۷۴ ش، ص ۱۰۰) (امینی، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۸-۱۹)

از آیات و روایات مربوط به ازدواج این مطلب اساسی و مهم فهمیده می‌شود که ازدواج چنانچه بر اساس شرایط و آداب و ضوابط شرعی، عقلی و قانونی و عرف و سنت معقول و فطری انجام شود باعث سلامت، امنیت، معنویت و سعادت دنیوی و اخروی می‌گردد و از بسیاری از آفات و بیماری‌های جسمی و روحی فردی و خانوادگی و اجتماعی پیشگیری می‌کند و آثار و فواید بسیاری بدنبال دارد. (مؤسسه قدر ولایت، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۳) به رغم آثار درمانگری و اصلاح‌سازی و ارتقاء و تکامل مادی و معنوی ازدواج، متأسفانه این سنت فطری، طبیعی، شرعی و عقلی توسط عده بسیاری از خود مسلمانان دچار آفات، انحرافات، آسیب‌ها و ضعف‌هایی شده است که به اهم آن اشاره می‌شود:

کاهش علاقه و تمایل به ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج دلایل مختلفی دارد. عدم بلوغ اجتماعی برای پذیرفتن مسئولیت خانواده، فقر و تنگدستی و نبود تمکن مالی، اشتغال به تحصیل و ادامه تحصیل، عدم اشتغال و بیکاری و نبود شغل مناسب و ... (همان: ۳۷) می‌تواند برای عده‌ای دلیل قانع‌کننده‌ای برای تن ندادن به ازدواج و یا تأخیر آن باشد و برای عده‌ای دیگر بهانه‌ای برای فرار از ازدواج. اما واقعیت آن است که علاوه بر این موارد، دلایل دیگری نیز بعنوان آفت و بیماری، دامنگیر جامعه اسلامی شده و ازدواج سالم و ساده را با موانعی مواجه ساخته است.

- ضعف معرفت و ایمان و ارزش‌های دینی در خانواده‌ها بالاخص در جوان‌ها و عدم توجه و اهمیت و ارزش‌گذاری خانواده‌ها و نپرداختن هزینه‌های لازم برای آن
- گسترش فساد و فحشا و روابط ناسالم بین دختران و پسران، آزادی جنسی، ترغیب و تشویق بطور مستقیم و غیرمستقیم به این امر و تسهیل و تأکید بر آن توسط امپراطوری رسانه‌های مخرب و شبکه جهانی ناتوی فرهنگی و ...
- مراعات نکردن آداب و سنت‌های مربوط به مقدمات ازدواج توسط برخی از جوانان مسلمان و خانواده‌ها، مثل اطلاع به خانواده‌ها، مشورت با بزرگترها، خواستگاری رسمی و عرفی، کسب رضایت والدین و خانواده‌ها و ...
- مرسوم شدن آشنائی‌ها و ارتباطات و خواستگاری‌های خیابانی، اینترنتی و ازدواج‌های خودسرانه، فرار از منزل و ...
- سختگیری بی‌جا و تجملاتی و مادی کردن ازدواج‌ها و مراسم عروسی، هزینه‌های بیهوده، تشریفات مازاد، مهریه‌های سنگین، ازدواج‌های اجباری و رقابتی و احساساتی، عدم همیاری و همکاری و تعاون خانوادگی و فامیلی و ...
- بدیهی است چنین آسیب‌ها و آفات نه تنها باعث بی‌انگیزگی برای ازدواج می‌شود، بلکه گسترش الگوهای جایگزین فرهنگ غربی (ضد معنوی) ارتباطات جنسی و التذاذات غریزی را به همراه دارد. از سوی دیگر ازدواج‌های شکل گرفته نیز استحکام لازم را نداشته و جدایی و طلاق، بی‌وفایی، خشونت و خیانت همسران به یکدیگر و پیامدهای منفی بسیاری را به دنبال خواهد داشت. (آزیر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۹۹) و (بستان، ۱۳۹۰ ش، ص ۶۳)

همه موارد فوق، موانع فرایند سالم و معقول و مشروع ازدواج هوشمندانه و مبارک می‌گردند؛ چه از جانب جامعه، رسانه‌ها، خانواده‌ها و مراکز آموزشی در داخل کشور باشد و چه از سوی رسانه‌های بیگانه و به اصطلاح غیرخودیه‌ها. این موانع بهداشت روانی فرد و خانواده و جامعه را تضعیف می‌کنند. برخلاف تصور کسانی که فکر می‌کنند همزیستی بدون ازدواج زندگی را بهتر و طولانی‌تر می‌کند، آمارها نشان می‌دهد که زندگی مجردانه و فرار از تأهل، بی‌بند و باری، بیماری‌های روحی و جسمی و آثار سوء بیشتری به دنبال دارد. (رضوان طلب، ۱۳۸۸ ش، ص ۲۳۲-۲۳۰) افراد مجرد گاه تحت تأثیر تحریکات جنسی گرفتار فشارهای روانی و فسادهای اجتماعی می‌شوند که قابل جبران نمی‌باشد. تحقیقات و آمارها نشان می‌دهد که روش‌های کاذب کسب آرامش و راحتی و الگوهای جایگزین غربی برای خانواده نمی‌تواند کارکردهای مثبت خانواده را تأمین کند. (قدر ولایت، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۶)

لازم به یادآوری است که هم از نظر اسلام و هم از منظر اخلاقی و روانشناسی رهیافت‌ها و راهکاری‌هایی برای مبارزه با این انحرافات و پیشگیری و درمان آنها وجود دارد. (قدر ولایت، ۱۳۹۲ ش، ص ۵۹)، (آیت اللهی، ۱۳۹۱ ش، ص ۷۹) و (صهبا، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۰) اما چون هدف در این مقاله ذکر آفات و موانع و آسیب‌های ضد معنویت در خانواده است طرح و ارائه راه‌حل‌ها بیشتر از گنجایش این مقاله می‌باشد. علاقمندان می‌توانند به منابع مورد استفاده در همین مقاله مراجعه کنند.

موانع معنویت در روابط خانوادگی

با عنایت به اینکه خانواده غالباً شامل مرد، زن و فرزندان می‌شود روابط خانوادگی حداقل در بردارنده روابط مرد و زن با یکدیگر، روابط هر یک از والدین با فرزندان، روابط فرزندان با والدین و روابط فرزندان با یکدیگر می‌باشد. سلامت و معنویت این روابط تا حدی مرهون عوامل قبل از ازدواج و اهداف و کیفیت ازدواج است. چنانچه دختر و پسر به نام خدا و اذن پروردگار و مراعات معیارها و بایدها و نبایدهای انتخاب همسر با هم پیوند زناشویی ببندند و نیازهای زیستی، جنسی و روحی یکدیگر را برآورده سازند به آرامش و صفایی می‌رسند که در پرتو آن می‌توانند به معنویتی برتر دست یابند و چنانچه با شناخت، بصیرت، حکمت و تقوی بنیان خانواده را استمرار و تداوم بخشند و حقوق یکدیگر را بشناسند و مراعات کنند و با مهرورزی و ایثار و انفاق و تعاون با همدیگر تعامل کنند، هر روز بر معنویت و خوشبختی خانواده افزوده می‌گردد. تولد فرزندان با نیت افزایش نسل مؤمن، عالم، صالح و خدوم و رعایت آداب بهداشتی و اخلاقی و اجتماعی آن بر شیرینی و معنویت زندگی می‌افزاید. مراعات مسائل مربوط به تعلیم و تربیت فرزندان و تحقق عملی حقوق متقابل بین فرزندان و والدین و ... باعث رشد و تکامل انسانیت در فرد فرد خانواده می‌گردد. علاوه بر آن خانواده را نعمت معنوی خدا دانستن، اتصال و انس خانواده را با خداوند، قرآن، انبیاء و اولیاء و علما برقرار کردن و انجام عبادات مخصوصاً نماز، از اصول معنویت در خانواده ذکر شده است. (انصاریان، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۳۵)

بطور کلی از نظر اسلام مهرورزی، همدلی و همراهی، رعایت حقوق، تأمین نیازهای مادی و غیر مادی، نیک رفتاری در روابط درون خانوادگی، باعث تحکیم

و تقویت زیبایی‌های معنوی در خانواده می‌شود. (کمالی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۷۳-۲۵۷) البته روابط سالم خانوادگی منحصر به آنچه گفته شد نمی‌باشد بلکه شامل روابط با خویشاوندان نسبی و سببی که خانواده با گستره بزرگتری را تشکیل می‌دهد نیز می‌گردد. از دیدگاه اسلام برقراری ارتباط و تعامل حسنه اعضای خانواده در سطح اقوام درجه دوم و سوم و ... نیز از عوامل سعادت و سلامت روحی و روانی فرد و اجتماع است که تحت عنوان صله‌رحم ضروری دانسته شده و بر آن تأکید گردیده است. (عاملی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۲۴-۱۹۲) قرآن کریم در چندین آیه به ارتباط و معاشرت با خویشاوندان سفارش کرده (رعد/ ۲۱ و ۲۵- بقره/ ۱۷۷- روم/ ۳۸ و ...) و نیز روایات بسیاری در ضرورت و اهمیت آن ذکر شده است. (صدر السادات دزفولی، ۱۳۶۹ ش، ص ۶۹-۲۳)

هر حقیقت و جمال و کمالی، آفات و اضرار و دشمنانی دارد. بدلیل برکات متنوع مادی و معنوی بالاخص امنیت و آرامش روانی که خانواده و روابط و معاشرت حسنه اعضای آن دارد، شیاطین درون و برون سعی کرده‌اند تا با لطایف الحیل نظام و بنیاد روابط خانوادگی انسان‌ها بویژه مسلمانان را دچار تحریف و تخریب کرده و از معنویت و سلامت آن بکاهند. اکنون به گوشه‌ای از این آفات و موانع که باعث عدم رشد معنویت در خانواده‌ها و تضعیف و تزلزل کانون مقدس و گرم خانواده‌ها شده و می‌شود، اشاره می‌کنیم:

الف: روابط همسران با یکدیگر

– عدم و ضعف شناخت صحیح از حقوق متقابل و آئین همسراری و اهمیت ندادن به آن. (مؤسسه قدر ولایت، خانواده موفق، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۵)

– احساس وظیفه نکردن، عدم آشنایی با وظایف و عمل نکردن به وظایف متقابل همسران. (شریعت‌زاده خراسانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۵)

– عدم مراعات ادب و اخلاق لازم در قبال یکدیگر و عدم مهرورزی و محبت قلبی و تصنعی رفتار کردن

– اولویت دادن به مادیات و تجملات و رفاهیات ظاهری در زندگی و تعجیل در دستیابی بدان

– خشونت‌ورزی، تندخویی، مجادله، لجاجت، اقتدارگرایی ناروا، دروغ‌گویی و نفاق

– رقابت‌های بی‌جا با یکدیگر و با دیگران و قیاس‌های مع‌الفارق و نامربوط

– آلودگی محیط خانواده به تباهی و غنا و آلات لهو و لعب (آثیر، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۰۶)

ب: روابط با فرزندان

– گریز از صاحب فرزند شدن و پذیرفتن مسئولیت پدری و مادری و تحت الشعاع قرار گرفتن ترکیب و توازن جمعیتی

– بسنده کردن به حداکثر یک تا دو فرزند حتی کسانی که دارای تمکن مالی و ... هستند

– اهمیت و اولویت ندادن به تربیت روحی، روانی، عاطفی، دینی، اخلاقی و اجتماعی فرزندان (سادات، ۱۳۸۳ ش، ص ۷۷)

– اشتغال مادران در بیرون از خانواده و کم گذاشتن در رسیدگی به فرزندان و ضعف کمی و کیفی ارتباط با فرزندان

– سپردن فرزندان به مهد کودک و عدم توجه و نظارت لازم بر تأمین نیازهای جسمی و روحی آنان

– ضعف محبت و مهرورزی و ارتباط صمیمانه و عاطفی با فرزندان

– عدم شناخت کامل مسائل مهم و مؤثر مربوط به تعلیم و تربیت و روانشناسی

کودک، نوجوان و جوان (شریعت زاده خراسانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۵۵)

– عدم توجه کافی و وافی به تغذیه و رژیم غذایی فرزندان و روی آوردن به

رژیم‌های مضر و غیر سالم

– توجه نداشتن به نقش الگوها در شخصیت فرزندان و معرفی نکردن الگوهای

مناسب

– مراعات نکردن دستورات دینی در تولید نسل، ولادت، بلوغ و ... مثل نام

نیکو، عقیقه کردن، آموزش قرآن، جشن تکلیف و ... (بیگی، ۱۳۸۹ ش، ص

۳۷۴)

ج: روابط با والدین

– عدم یا ضعف شناخت وظایف دینی، اخلاقی و اجتماعی نسبت به والدین

(آزیر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۵)

– نبود دیدگاه الهی و مقدس نسبت به پدر و مادر و صرفاً آنها را حامی مالی و

مادی دانستن

– مطالبات بی‌جا و بی‌حد مادی و رفاهی از والدین داشتن

– اهمیت نداشتن نظر و رویکرد والدین در نزد فرزندان و کهنه و سستی دانستن

آنها

– عدم مشورت و هماهنگی و ارتباط و انس صمیمانه با والدین

- زیاد شدن فاصله‌های فکری، عاطفی و حتی طولانی شدن زمان‌های دیدار و ملاقات با والدین
- عدم تحمل والدین پیر، از کار افتاده، مسنّ و عدم رسیدگی به امور و نیازمندی‌های آنها
- سپردن والدین به خانه سالمندان و بی‌مهری و بی‌توجهی به آنان

د: روابط با سایر خویشاوندان

- بی‌اهمیت بودن روابط خویشاوندی و تضعیف آن و بسنده کردن به اقوام درجه یک
 - ارتباط برقرار کردن با خویشاوندان بر اساس معیارهای مادی و ظاهری مثل: مقام، ثروت و قدرت
 - تضعیف روابط اجتماعی و محدود شدن آن حتی در ایام مرگ و عروسی و اعیاد و ...
 - تضعیف روابط محبت‌آور و معنوی مثل هدیه دادن متقابل، عیادت از بیمار، میهمانی دادن‌های ساده و سالم (صدرالسادات دزفولی، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۵۹)
- روشن است که این افکار انحرافی و اخلاق حیوانی و اعمال غیر انسانی که غیریت آنها با افکار و اخلاق و رفتار ناب اسلامی و انسانی کاملاً مشهود است نه تنها به رشد و ترقی معنویت، انسانیت، سلامت، امنیت و فضائل و کمالات فردی، خانوادگی و اجتماعی کمک نمی‌کند بلکه مانعی است در مقابل قرب و صعود و وصول به حقیقت و سعادت و سبک زندگی اسلامی و ایده‌آل زندگی و به علاوه بر اختلافات، اضطراب‌ها، نگرانی‌ها، نابسامانی‌ها، افسردگی‌ها، جدایی‌ها، فاصله‌ها، خصومت‌ها، خشونت‌ها، دردها و مصائب می‌افزاید که از جمله آنها می‌توان به

طلاق، اعتیاد، خودکشی، فرار از خانه و حتی افزایش بیماری‌های بدنی و جسمی و ... اشاره کرد. (نحوی، ۱۳۸۸ ش، ص ۵۰، ۸۰، ۹۹ و ۱۱۹)

بدحجابی و خودآرایی

عفت از ارزش‌های اصیل انسانی و ارکان اخلاق اسلامی است و معنای آن خودداری از انجام امر قبیح و ناپسند و خودکنترلی از شهوترانی حرام می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۳۹) این صفت و ملکه زینت باطنی است که درحقیقت تعدیل و تربیت قوه شهویه و جلوگیری از حد افراط (شده) و تفریط (خمود) محسوب می‌شود. به عبارت دیگر حقیقت عفت حاکمیت عقل و شرع در بهره‌مندی از غرایز و شهوات است. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۶۰) عفت نه تنها خود یک خلق و خصلت معنوی، انسانی و الهی است بلکه منشأ فضایل و معنویات کثیری است که بخش اعظمی از زیبایی‌های اخلاقی در مکاتب دینی و انسانی را شامل می‌گردد.

با عنایت به نقش بی‌بدیل عفت در سلامت و معنویت فردی، خانوادگی و اجتماعی انسان، قرآن کریم بر عفت ورزی و عقیفانه زندگی کردن تأکید و سفارش نموده و آن را واجب دانسته و جلوه‌ها و مصادیقی از آن را امر فرموده است. بالاخص آیاتی از سوره نور را به این موضوع درمانگر اختصاص داده است. (نور/ ۳۱-۳۰) در این آیات علاوه بر اهمیت و ضرورت اصل عفت، به ابعاد آن نیز اشاره شده است که عبارتند از عفت در نگاه، عفت در دامن، عفت در پوشش، عفت در کردار و عفت در گفتار. البته عفت دارای مراتب و درجاتی است که از برترین و دوست داشتنی‌ترین آن، پاکدامنی (عفت جنسی) و عفت شکم ذکر شده است. (بیگی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۸۳-۱۸۲)

همانگونه که ملاحظه شد در اسلام یکی از مصادیق عفت، آرایش و پوشش مناسب (حجاب) و پاکدامنی است که آثار و فواید زیادی در ابعاد مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و ... در پی دارد. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۱) در مقابل آن بدحجابی و خودآرایی (شهوترانی) و به عربی «تبرج» قرار دارد. البته رابطه عفت و پوشش از جهتی رابطه باطن و ظاهر است. (اکبری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۷) این رذیلت فکری و عملی به عنوان یک آفت و بیماری از جهات حقوقی، اخلاقی، دینی، قانونی، روانی و اجتماعی ناپسند و گناه و بیماری محسوب می‌شود. چون حقوق مرد و زن خانواده را ضایع می‌کند، خلاف اخلاق خانوادگی است، از نظر دینی حرام است، خلاف قانون فطری و اجتماعی می‌باشد، باعث تشویش اذهان و تحریک قوای شهوی و برهم زدن سلامت و آرامش افراد و خانواده‌ها و بلوغ زودرس جنسی می‌شود، فسادهای اجتماعی به دنبال دارد و عامل جرم و جنایات عدیده‌ای می‌گردد. درحقیقت بدحجابی و خودآرایی نوعی دعوت به گناه و فساد جنسی است.

به عبارت دیگر بدحجابی، بی‌حجابی، خودآرایی برای نامحرمان، بدعت و انحرافی است در مقابل قانون فطری، الهی و اخلاقی که استحکام و قداست و معنویت و سلامت و سعادت خانواده‌ها را تضعیف و تخریب می‌کند و مانع رشد و ترقی انسانیت می‌گردد و پیامدهای منفی و زشتی همچون سرانجام سوء و سیاه، اندوه و بیماری‌های جسمی و روانی، بردگی و اسارت روحی، خودکشی معنوی، فتنه‌گری و ده‌ها گناه و شقاوت به دنبال دارد. (اکبری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۸۷-۱۸۴) بویژه در ساحت و عرصه خانواده باعث جدایی و طلاق، سست شدن بنیاد خانواده، سقوط ارزش‌های معنوی، بی‌اعتمادی، رکود فکری و استعدادی، خیانت،

تنش و درگیری، خشونت و خصومت و ... می‌گردد. (اکبری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۲۳) آرامش روانی خانواده و فرد و جامعه را برهم می‌زند، ناامنی‌ها را افزایش می‌دهد، احترام و ارزش افراد مخصوصاً زنان را کاهش و بیماری‌های مقاربتی (جسمی) و روحی روانی را گسترش می‌دهد، آسیب‌ها و هزینه‌های اقتصادی جامعه را افزایش می‌دهد و (بیات، بی‌تا، ص ۱۲۱) به علاوه از بین رفتن سرمایه‌های انسانی جامعه (جوانان)، گسترش بی‌حیایی، بی‌آبرویی و بی‌بند و باری (بی‌قداستی و بی‌معنویت) و افزایش آمار دختران و پسران فراری نیز از عواقب بدحجابی ذکر شده است. (نحوی، ۱۳۸۸ ش، ص ۷۰)

البته اینها بخشی از عواقب و پیامدهای سوء بی‌حجابی، بدحجابی و خودآرایی است که در زندگی و حیات دنیوی اتفاق می‌افتد و از جهت فکری، اخلاقی و رفتاری در سطوح مختلف فردی و اجتماعی مشکلات و مصائبی بوجود می‌آورد و نظام و سلامت جامعه را برهم می‌زند. منابع دینی نشان می‌دهد که بی‌حجابی نتایج سوء و آثار خطرناکی در آخرت نیز برای بدحجاب‌ها اعم از زن و مرد بالاختص زنان بدنبال دارد و مایه عذاب دردناک برای آنان می‌شود. (آژیر، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۱۳)

تبرج و خودآرایی بعنوان آسیب و آفتی خطرناک و مخرب، نقش اساسی در ممانعت از رشد و تکامل معنوی فرد، خانواده و اجتماع دارد. این بیماری روحی و روانی خود زائیده آفات دیگری است که ضرورت دارد به آن اشاره شود. قدر مسلم آن است که عامل اصلی و ریشه بسیاری از انحرافات و گناهان و رذایل و ضد ارزش‌ها، نبود و یا ضعف پایه‌ها و مایه‌های معرفتی و اعتقادی و سست بودن باورها و ایمان‌های قلبی است که به همراه عدم تهذیب اخلاقی و مجاهدات نفسانی و استمرار و تقویت آنها در زندگی، باعث بروز رفتارهای ضد ارزشی و ضد

معنوی از جمله مصادیق بی‌عفتی و کم‌عفتی در افراد می‌شود. مخصوصاً زمانی که فشار و قدرت قوای شهوانی و عوامل تحریک آنها بیشتر باشد (جوانان) پیامدهای زشت و شیطانی آن نیز افزایش می‌یابد.

تبلیغ و ترویج بی‌عفتی، بی‌حجابی، فرهنگ برهنگی توسط خودی و غیر خودی از طریق رسانه‌های مختلف و متنوع و با کمک ابزار و شیوه‌های نافذ و جذاب و مؤثر هنری بصورت برنامه‌ریزی شده و هجومی (جنگ نرم) از یک سو و بی‌توجهی و غفلت و ضعف و بی‌برنامگی و ... خانواده‌ها، جوانان، مراکز مسئول فرهنگی و ... از عوامل بروز و ظهور این انحرافات و آفات می‌باشد.

در همین راستا، بیماری چشم‌چرانی و عدم کنترل و نظارت دیده‌ها و نگاه‌ها، خلوت کردن با نامحرم و عدم مراعات خطوط قرمز در روابط با نامحرم و اختلاط مرد و زن در محیط‌های رسمی و غیررسمی، گوش دادن به موسیقی‌های مبتذل و رؤیت فیلم‌ها و عکس‌های تحریک‌کننده و مضر، پیام‌ها و نامه‌ها و نجوای‌های شیطانی مستقیم و غیرمستقیم رسانه‌ای و غیررسانه‌ای، دوستی‌ها و عشق‌های حیوانی، احساسی، مجازی، دروغ و فریبکارانه و ... نیز عفت و پاکدامنی خانواده‌های مسلمان را تخریب و تضعیف کرده و می‌کند (اکبری، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۰۷) البته عواملی چون بیکاری و عدم اشتغال مناسب، جهل و ناتوانی مدیران و نهادهای مسئول فرهنگی و بعضاً بی‌تعهدی و نفوذی بودن عده‌ای از آنها، فقر و تنگدستی، اعتیاد، اهداف سوء بعضی از جریان‌های سیاسی و ... نیز در این پدیده شوم بی‌تأثیر نیستند.

اسراف و تجمل گرایی

بی‌تردید انسان برای ادامه حیات و بقاء نیازمند مادیاتی همچون مسکن، لباس، وسایل و لوازم خانگی، غذا و ... است تا بعنوان ابزار، زمینه و بستری شایسته برای آسایش، آرامش، رشد، سلامت و سعادت جسمی و روانی وی باشد و مقدمه‌ای برای تکامل و تقرب انسان گردد. با این وصف در منابع اسلامی کار و تلاش برای تأمین نیازهای خانواده جزء ارزش‌های معنوی و دینی محسوب می‌شود. (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۸۸)

علاوه بر آن مدیریت اقتصادی خانواده همراه با تدبیر و برنامه‌ریزی در شریعت اسلامی تحت عنوان «تقدیرالمعیشه» از عوامل کمال و معنویت و زندگی سالم و متعادل دانسته شده است. (محدثی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۰۱) در خانواده مردان مسؤولیت و حمایت مالی از زنان و فرزندان را بر عهده دارند تا زنان نقش بیشتری در فراهم آوردن آرامش خانواده و تربیت فرزندان ایفا نمایند. (نساء / ۳۴ و بقره / ۲۳۳) این تقسیم کار، نقش مؤثری در پایداری، پیوند، همبستگی و ایجاد رفاه و آسایش خانواده ایفا می‌کند؛ همانگونه که عدم تعهد و بی‌مسؤولیتی مرد در تأمین نیازهای مالی و رفاهی و معاش خانواده چه بسا موجب فقر و در نتیجه فروپاشی و طلاق می‌گردد. (آیت الهی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۱۲) و (سالارزایی، ۱۳۸۹ ش، ص ۶۵) لذا از منظر اسلام نیاز خانواده به تأمین معاش و مایحتاج زندگی از ضروریاتی است که اصالتاً بر عهده مرد خانواده است و زن نیز می‌تواند بنا بر ضرورت و با رعایت ضوابط و موازین شرعی و شأنی اقدام به اشتغال و مشارکت در معاش خانواده نماید. (نصرالهی و برهان‌پناه، ۱۳۹۱ ش، ص ۲۱) و (آیت الهی، ۱۳۹۲ ش، ص ۲۲۴) لازمه سلامت و ارتقاء مادی و معنوی خانواده، تأمین نیازهای اقتصادی و رفاه اولیه، در حد اعتدال می‌باشد. اما از این بعد نیز آسیب‌ها و آفات

متوجه خانواده می‌گردد؛ به نحوی که این آیت و نعمت خدادادی که منبع نورانیت و سکونت و آرامش است، عامل تنش، دغدغه و نگرانی و بیماری‌های روانی برای اعضای خانواده و اجتماع می‌شود. این آفات شامل اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی است. اسراف به معنای تجاوز از حد وسط (ابن منظور، ۱۴۱۰ ق، ج ۹، ص ۱۴۸) و در قرآن به معنای تجاوز از حد در هر کاری است که آدمی انجام می‌دهد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۴۰۷). تبذیر نیز نزدیک به همین معنا، برای نابود کردن و هدر دادن مال به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۱۳) و معادل «ریخت و پاش» در فارسی می‌باشد. (معین، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۱۷۰۲) تجمل‌گرایی به معنای مصرف‌گرایی افراطی و انجام هزینه‌های اضافی برای تأمین لوازم و امکاناتی که صرفاً زیبایی ظاهری و تشریفاتی دارند، اطلاق می‌گردد.

اسلام به شدت با چنین تفکرات و اقداماتی مخالف بوده و از آن نهی کرده است و مسرفان را دور از رحمت الهی و اهل دوزخ شمرده است. (اعراف / ۳۱ و غافر / ۴۳) همچنین اهل ریخت و پاش، برادران شیطان نام گرفتند. (اسراء / ۲۷) نهی شدید اسلام از اسراف و تبذیر و توصیه به اعتدال (اقتصاد) و قناعت و پرهیز از پیروی جاهلانه در مصرف به دلیل آن است که اسراف و تجمل‌گرایی عواقب سوئی در سلامت جسمی و روانی دارد؛ ازجمله تضعیف فرهنگ و ارزش‌های دینی، درآمدزایی نامشروع و حرام، اختلافات و تنش‌های زناشویی و خانوادگی، بالا رفتن سن ازدواج، کاهش جمعیت و زاد و ولد، کم شدن احساس آرامش و لذت زندگی، کاهش تولیدات داخلی، تضعیف استقلال ملی، وابستگی به بیگانگان، (مختاری و اکبری، ۱۳۹۲ ش، ج ۱، ص ۵۲-۵۰) افزایش بیماری‌های روحی، کم

برکتی و گسترش فقر، سقوط اخلاقی، خصومت و خونریزی، خشم الهی، (سبحانی یامچی، ۱۳۸۸ ش.، ص ۱۱۰-۹۱) زیاده‌روی در کار و اشتغال مفرط، خستگی و بی‌حالی، کاهش حضور والدین در خانه و ...

موارد ذکر شده بخشی از آثار و عواقب سوء و پیامدهای ناگوار این رذیلت اخلاقی در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و بطور کلی سلامت و آرامش و معنویت را مخصوصاً در خانواده‌ها تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. برخی از مصادیق اسراف که حقیقتاً چون بیماری صعب‌العلاجی در خانواده‌های مسلمان نفوذ کرده است عبارتند از:

اسراف، زیاده‌روی، مصرف گرایی، لوکس‌گرایی، هدر دادن و مصرف نادرست در پوشاک، خوراک، لوازم خانگی، مسکن، مصالح ساختمانی، اتومبیل، وسایل حمل و نقل، سوخت و انرژی (نفت، گاز، بنزین، برق، آب) و متأسفانه این اسراف‌ها که گناه کبیره محسوب می‌شود نه تنها در بسیاری از خانواده‌ها و مراسم شادی و عزای آنها صورت می‌گیرد، بلکه در خیلی از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی نیز رخ می‌دهد. زشتی اسراف و ولخرجی بخصوص وقتی آشکارتر می‌گردد که در جامعه و در همسایگی خانواده‌ها افرادی نیازمند وجود داشته باشند. آیا چنین جوامع، خانواده‌ها و افرادی از سلامتی و معنویت برخوردار خواهند شد و مورد عنایت ویژه و رحمت و برکت خداوند قرار خواهند گرفت؟

ملت اسراف‌کار بینوا	می‌کند سرمایه را دود هوا
ملت ولخرج می‌گردد فقیر	ملتی وابسته، محتاج و اسیر
هر که را مصرف ز حد افزون بود	عاقبت افسرده و دلخون بود
باید از اسراف‌ها مانع شویم	رو به فرهنگ قناعت آوریم

(محدثی، ۱۳۸۹ ش.، ص ۱۰۳)

پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند:

«دلها را با زیاد خوردن و زیاد نوشیدن نمیرانید، زیرا قلب همچون کشته‌ای است که چون آب آن زیاد شود نابود می‌شود». (نهج‌الفصاحه، ۱۳۸۵ ش، ص ۴۶۳) این روایت در نکوهش پرخوری بعنوان یکی از مصادیق اسراف است که صرفاً ناظر به عواقب منفی در جسم نیست، بلکه ناظر به قلب باطنی است که جایگاه کمالات و ارتقاء معنوی است و اسراف در خوردن آن را می‌میراند و بیماری‌های روحی ایجاد می‌کند. این نکته نیز مهم است که انگیزه اسراف و تبذیر و مصرف جاهلانه و تجملاتی منشأ فکری و اخلاقی دارد و رذایل و انحرافات مثل جهل و نادانی، فقر ایمان، خودنمایی، تفاخر، چشم و هم‌چشمی، ریا و ظاهرسازی، طغیان‌گری، ثروت‌های حرام و بادآورده، غفلت از بغض و عذاب خدا، بی‌توجهی به سنت و سیره معصومین (ع) و اولیاء و عرفای الهی و ... را شامل می‌شود که درمان آن تقویت آگاهی‌های دینی و اخلاقی و تهذیب و مجاهده نفس توسط افراد و فرهنگ‌سازی و الگوسازی و ... توسط حکومت‌ها و سازمان‌ها و نهادها می‌باشد.

موانع زیست‌ارتقایی در خانواده از منظر اسلام

تغییر سبک خواب و بیداری

خلقت انسان و هستی به نحوی است که او را نیازمند بیداری برای کار و تلاش و پی‌گیری امور زندگی و نیز خواب برای استراحت و تجدید قوا کرده و در عین حال اوقات خاصی (روز) را متناسب برای بیداری و فعالیت انسان قرار داده و زمان ویژه‌ای (شب) را برای خواب و استراحت تعیین کرده است. خالق هستی این واقعیت را در قرآن تصریح کرده است. (انبیاء/ ۱۰ و ۱۱) نظم و انضباط در

خواب نه تنها توسط اسلام مورد تأکید قرار گرفته است بلکه دانشمندان علوم زیستی و پزشکی نیز بر آن تأکید کرده و آن را از مسلمات دانسته‌اند. (غفاری، ۱۳۸۴ ش، ص ۴۷)

فلسفه و حکمت این امر آن است تا صحت و سلامت بدنی و روحی انسان بیش از پیش تأمین گردد. زیرا خواب و بیداری و کار و استراحت در زمان و اندازه معین، نقش تعیین کننده و مستقیمی در بهداشت جسمی و روانی دارد. از آنجا که محل خواب و بیداری خانه و خانواده می‌باشد آثار و پیامدهای آن نیز ابتدا متوجه خانواده می‌شود و سپس جامعه را در بر می‌گیرد. چنانچه برنامه و سبک صحیح و منظمی در این خصوص وجود داشته باشد باعث ارتقا سلامت می‌گردد. امروزه در زندگی عده زیادی از مسلمانان به تبع دنیای مدرن غربی و رشد ماشینی و صنعتی، برنامه و نظم طبیعی خواب و بیداری از جهت کمی و کیفی تغییر پیدا کرده است، به جای آنکه افراد در شب و به موقع خوابیده و در سحر بیدار شوند و از صبح زود کار و تلاش خود را آغاز کنند و عبادات واجب و مستحب دینی خود را در اوقات تعیین شده شب و روز بجا آورند، تا حدودی برعکس عمل می‌کنند. شبها نمی‌خوابند و یا کم می‌خوابند و شب را به بطالت و بیهودگی می‌گذرانند و روزها را در خواب به سر می‌برند و بطور کلی کم و کیف گذر عمر خود را برخلاف نظام خلقت ترتیب داده‌اند و اوقات متناسب با خواب و بیداری را مراعات نمی‌کنند. این درحالیست که در آموزه‌های اسلامی آمده است خواب بیجا شکننده تصمیم‌های روزانه است. (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۴۱) و جز با تلاش و جدیت به حق نمی‌توان رسید. (نهج‌البلاغه / خطبه ۲۳۰) اگر برای گذران اوقات و صرف عمر نظم و برنامه وجود نداشته باشد، سرمایه عمر هدر می‌رود

درحالیکه تدبیر، نظم و برنامه‌ریزی بهره‌وری از زمان را می‌افزاید. در اسلام به نظم و تقوی با هم توصیه شده است. (محدثی، ۱۳۸۷ ش، ص ۳۳)

البته به جز ضرورت‌های خاص و موقتی که برای عده‌ای اتفاق می‌افتد تا بالاجبار در شب مشغول کار شوند و روز را به استراحت پردازند مثل کسانی که وظیفه نگهبانی و برقراری نظم و امنیت جامعه را بر عهده دارند و نیز بیداری سحرگاهی برای تهجد و ذکر و عبادت، برای عموم برهم زدن نظم طبیعی زمان خواب و بیداری آثار سوئی بر سلامت روحی و جسمی دارد که از جمله آن تنبلی، سستی و بی‌حالی است که جوهره آن آسیب‌های روانی، تعویق انداختن وظایف و امور، تعلل ورزیدن، ساده‌انگاری و سهل‌انگاری در کار است و امور فردی، خانوادگی و اجتماعی را تحت تأثیرات منفی قرار می‌دهد که در اسلام به آن تهاون، ممانعت و تسویف اطلاق می‌شود. (آقاتهرانی، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷)

آفات و آسیب‌هایی که قداست و معنویت و سلامت خانواده را دچار خدشه و مشکل می‌کند و مانع رشد و ارتقاء معنویت در زیست خانوادگی می‌شود، به آنچه ذکر شد منحصر نمی‌گردد و شامل تغییر در الگو و سبک معماری و ساخت منزل اسلامی (برونی و درونی، تزئینات و تصاویر و تابلوهای نامناسب درون منزل، استفاده لجام گسیخته و بدون کنترل از رسانه‌های دیجیتال (ماهواره، اینترنت، تلفن همراه و ...) افراط و تفریط در تفریحات و عوامل نشاط و شادی، افراط و تفریط در انجام مراسم مذهبی و عبادات، دگردیسی و تغییر در سبک تغذیه، روی آوردن به شغل‌های کاذب و شبهه‌ناک و حرام، حرص و طمع در جمع مال و منال، پوشش‌ها و آرایش‌های غیرمتعارف و اجنبی، توجه به شبه معنویت‌ها و عرفان‌های کاذب و ... نیز می‌گردد و در مجموع تحولات محتوایی و شکلی در سبک زندگی

اسلامی را در پی دارد که هرکدام بطور جداگانه نیاز به بررسی، تحلیل و آسیب‌شناسی جدی دارد. اما بدلیل محدودیت حجم این مقاله، نمی‌توان به شرح و تفصیل این مطالب پرداخت. امید است توفیق بررسی و تحلیل آن را در مقاله‌ای دیگر خداوند عنایت فرماید.

نتیجه گیری

۱- خانواده از منظر قرآن و روایات، منبع و مرکز رحمت و ام الفضائل و مولد معنویت و سلامت و آرامش است؛ به شرط آنکه در تشکیل، اهداف، برنامه‌ها، روابط، عناصر و مؤلفه‌های آن ارزش‌ها و باورهای فکری، اخلاقی، رفتاری، دینی و انسانی لحاظ گردیده و احکام و آداب مربوطه حاکم باشد.

۲- با عنایت به قداست و برکت بی‌بدیل خانواده و تأثیر بی‌قید و شرط آن در رشد و تعالی افراد و جامعه و ... عوامل مختلفی (خودی و غیرخودی) بصورت عمدی یا سهوی، پیدا و پنهان به تضعیف، تحریف و تخریب این آیت و نعمت الهی کمر بسته اند. لذا خانواده‌های مسلمانان بطور جدی مورد هجمه انواع و اقسام خطرات و آفات است که سرفصل‌ها و عناوین مهم آن به شرح ذیل می‌باشد:

- کاهش میل و رغبت به ازدواج، عدم پذیرش مسئولیت‌های خانوادگی، شیوع زندگی مجردی، بالا رفتن سن ازدواج، پرهیز از فرزند پروری، اکتفا کردن به حداقل فرزند، پررنگ شدن مادیات و سنت‌های غربی در فرایند تشکیل خانواده و ... که خود نتیجه فاصله گرفتن از معارف و فرهنگ دینی و جایگزینی فرهنگ و سنت‌های غیر اسلامی است.

- سردی روابط خانوادگی، بی‌اعتمادی و بدبینی و عدم احترام و ادب متقابل نسبت به یکدیگر بین اعضای خانواده، عدم محبت، صمیمیت، صفا و روابط معنوی و حسنه بین همسران، والدین و فرزندان و زیاد شدن فاصله‌های قلبی و حتی ارتباطات فیزیکی در درون خانواده و با خویشاوندان نزدیک، خشونت و خیانت بدلیل ناآگاهی و کم‌توجهی و بی‌اهمیت دانستن وظایف، آداب و ضوابط مربوط به معاشرت از نظر دینی و اخلاقی.

- گسترش و شیوع کم‌عفتی، بدحجابی و خودآرایی مخصوصاً در زنان، روان شدن ارتباطات نامشروع، فسادهای جنسی، عبور از خطوط قرمز اخلاقی و قانونی و ... که باعث تزلزل و تضعیف بنیان خانواده‌ها و بالا رفتن آمار طلاق گشته است.

- اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی و مصرف‌گرایی که عامل بسیاری از نگرانی‌ها و ناهنجاری‌های ذهنی و عملی در درون خانواده‌ها گردیده و لطمات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز بدنبال دارد.

- تغییر در الگو و سبک و کم و کیف خواب، بیداری، مسکن، تغذیه، پوشاک، تفریحات، عبادات و سایر مؤلفه‌های کوچک و بزرگ خانواده‌ها و روی آوردن به الگوها و سبک‌های بیگانه و غیر اسلامی.

همه آفات، آسیب‌ها، بیماری‌های ذکر شده به همراه مواردی که ذکر آن میسر نشد بصورت پنهان و آشکار موانعی هستند که سلامت و معنویت خانواده‌های اسلامی را به شدت تهدید کرده و کارکردهای مثبت خانوادگی را تبدیل به سلبی و منفی کرده و در نتیجه خانواده‌ها و جامعه را روز به روز از اهداف متعالی و قرب الهی دور ساخته‌اند.

عامل و منشأ این آفات و آسیب‌ها از درون غفلت، عدم التزام و دور افتادن از فرهنگ دینی است و از بیرون تلاش‌های سازمان‌یافته و تهاجم نظام استکباری است که پیشرفت همه‌جانبه مخصوصاً رشد و ارتقاء نظام سلامت جامع ملت مسلمان به ضرر آنهاست. در این راستا مؤثرترین و نافذترین ابزار بدخواهان برای تضعیف و تخریب استحکام معنوی خانواده‌ها، استفاده از امپراطوری رسانه‌ای و تبلیغاتی است که خانواده‌ها را تسخیر کرده است.

مهمترین راه‌حل پیشگیری و درمان این آسیب‌ها و آفات بازگشت جدی و کامل و اعتماد بر ظرفیت‌های ارزشی و اخلاقی منابع ناب اسلامی و استفاده از

بهترین ابزارها و نوع‌آوری‌های مادی و معنوی دنیا برای مقابله با تهاجم و جنگ نرم دشمنان می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن مجید

- نهج البلاغه. ترجمه دشتی. ۱۳۸۵، تهران: انتشارات پیام عدالت
- نهج الفصاحه. ترجمه علی کرمی فریدنی. ۱۳۸۵، قم: انتشارات حلم
- آقاتهرانی، مرتضی. *اهمال کاری*. ۱۳۹۰، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی (ره)
- آیت اللهی، زهرا. *اخلاق خانواده*، ۱۳۹۲، چاپ یازدهم، قم: نشر معارف
- ابن منظور مصری، جمال الدین محمد بن مکرم. *لسان العرب*، ۱۴۱۰ ق. چاپ اول. بیروت: دارالفکر
- اعرافی، علیرضا. *اهداف تربیت از دیدگاه اسلام*. ۱۳۷۶. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- اکبری، محمود. *مروارید عفاف*، ۱۳۸۳. چاپ سوم. قم: انتشارات ظفر
- امینی، ابراهیم. *انتخاب همسر*، ۱۳۸۸. چاپ هفدهم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل
- انصاریان، حسین. *نظام خانواده در اسلام*. ۱۳۷۹. چاپ چهاردهم. قم: انتشارات ام اییها
- بستان، حسین. *جامعه شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*. ۱۳۹۰. چاپ اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- بهار، محمدتقی. *سبک شناسی نشر*. ج اول. ۱۳۷۹. چاپ سوم. تهران: انتشارات پرستو و امیرکبیر
- بیات، بهرام. *فرا تحلیل آسیب های اجتماعی*. معاونت اجتماعی نیروی انتظامی، بی تا، بی جا
- بیگی، روح الله. *ارزش های اجتماعی در قرآن*، ۱۳۸۹. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسوه
- جعفری، محمدتقی. *ایده آل زندگی و زندگی ایده آل*. ۱۳۸۵. چاپ پنجم. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری
- جمالی، مصطفی. *استمرار انقلاب به کدام روایت*. ۱۳۹۲. چاپ اول. قم: فجر ولایت
- حر عاملی، محمد بن حسن. *آداب معاشرت از دیدگاه معصومین (ع)*. ترجمه. محمدعلی فارابی. ۱۳۸۹، چاپ سیزدهم، مشهد مقدس: انتشارات آستان قدس رضوی
- دیلمی، احمد. *آذربایجانی، مسعود. اخلاق اسلامی*. ۱۳۸۰. چاپ اول. قم: نشر معارف
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد. *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن*. خسروی، سید غلامرضا. ۱۳۷۲، تهران: انتشارات مرتضوی
- رضوان طلب، محمدرضا. *آیین اخلاقی دانشجویان*، ۱۳۸۸. چاپ چهارم. تهران: انتشارات حفیظ
- سادات، محمدعلی. *رفتار والدین با فرزندان*. ۱۳۸۳. چاپ نهم. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان
- سالارزایی، امیرحمزه. *حقوق و شکوه زن در نظام حقوقی اسلام*. ۱۳۸۹. چاپ اول، زاهدان: اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی سیستان و بلوچستان

- سبحانی یامچی، محمد. *اصلاح الگوی مصرف*. ۱۳۸۸. تهران: انتشارات هستی نما
- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، *موانع و عوامل رشد در خانواده*. ۱۳۶۰. تهران: انتشارات سپاه
- شریعت زاده خراسانی، آئین زندگی. ۱۳۸۶. چاپ اول. قم: انتشارات خادم الرضا (ع)
- فرج خدا، تهمنه و دیگران. *اندیشه راهبردی زن و خانواده*. «مجموعه مقالات، اندیشه های راهبردی زن و خانواده». ج ۱. ۱۳۹۱. تهران: اداره امور فرهنگی سیاسی خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- غفاری، محمود. *اسرار پزشکی نماز شب*. ۱۳۸۴. چاپ سوم. قم: نشر شهاب الدین
- کریمی، خدابخش. *مؤلفه های سلامتی و بهداشت در ادب منظوم فارسی*. ۱۳۸۷. چاپ اول. موسسه فرهنگی و هنری زیتون سبز
- کمالی، علیرضا. *تفسیر موضوعی قرآن کریم*. ۱۳۸۶. چاپ دوازدهم. قم: نشر معارف
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. *اصول کافی*. ۱۴۰۷ ق. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- محبوب، محمدجعفر. *سبک خراسانی در شعر فارسی*. ۱۳۵۰. چاپ اول، تهران: بی جا
- مجلسی، محمدباقر. *بحار الانوار*. ۱۳۷۴. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- محدثی، جواد. *اخلاق*. ۱۳۸۹. چاپ اول. قم: انتشارات نور السجاد
- محدثی، جواد. *گهر عمر، درسهایی از نهج البلاغه*. ۱۳۸۷. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی
- مختاری، نادر. اکبری، سمیه. نقش زن در ارتقاء مدیریت مصرف خانواده با نگاهی به آیات و روایات، «مجموعه مقالات، اندیشه های راهبردی زن و خانواده». ج ۱، ۱۳۹۱. تهران: اداره امور فرهنگی سیاسی خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها
- مرکز صهبا. *خانواده*. ۱۳۹۲. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی
- مشکور، سید عبدالله. *از آداب مسلمان زیستن*. ۱۳۸۶. چاپ سوم. قم: انتشارات پیام مهدی (عج)
- معین، محمد. *فرهنگ فارسی معین*. ج ۲. ۱۳۶۳. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیرکبیر
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). *خانواده پویا*. ج ۸. ۱۳۸۹. چاپ سوم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). *خانواده پویا*. ج ۲. ۱۳۸۶. چاپ هفتم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. *اخلاق و معنویت در آینه نگاه مقام معظم رهبری*. ۱۳۸۰. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. روانشناسی آرامش و راحتی. ۱۳۹۰. چاپ پنجم. تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. ازدواج موفق، ۱۳۹۲. چاپ دوم. قم: انتشارات موسسه قدر ولایت

مهدی‌زاده، حسین. حجاب شناسی. ۱۳۸۱. چاپ اول. قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه نحوی، سید سیف‌الله. نقش خانواده در پیشگیری از انحرافات. ۱۳۸۸. چاپ اول. تهران: انتشارات نورالسجاد

نصر اللهی، زهرا. برهان پناه، مریم. بررسی اثر اشتغال زنان بر جامعه و خانواده با رویکرد پویایی سیستم، «مجموعه مقالات، اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده». ج ۲. ۱۳۹۱. تهران: اداره امور فرهنگی سیاسی خواهران نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق. برخی از مسائل زندگی‌ساز اسلامی. ۱۳۶۱. قم: انتشارات در راه حق

یادداشت شناسه مؤلفان

دادخدا خدایار: استادیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان، ایران (نویسنده مسئول)

نشانی الکترونیک: abazeynab@yahoo.com

مهدی قائمی: کارشناسی ارشد قرآن و حدیث

ابراهیم فلاح: عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی ساری، مازندران، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۹/۲۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۲/۲۲

Obstacles of life improvement in family from the perspective of Islam

Dadkhoda Khodayar
Mahdi Ghaemirad
Ebrahim Fallah

Abstract

The spirituality crisis is one of the Consequences of the modern age. Studies and experience show that for growth and spirituality obtaining, it's necessary that the issues such as Cognition, attention, action and turning to religion and its precepts, take priority. From Islamic view, the sacred institution of the family is one of the major centers and cores of production and export of spirituality. In Islam, the Philosophy of making family, as the smallest social institution, is making love, joy, holiness, spirituality, health, peace, prosperity and growth for its members and the community. But the obstacles and damages not only doesn't cause ascendancy and spiritual promotion of family, in its formation process, But also, as a reversed result, make it disjointed.

Therefore, the aim of this paper is recognition and analyzing the most important pests and digressions that hinder spiritual growth of the family based on Islamic criteria. It is assumed that the issues such as aversion to marriage, refrain from generation producing, family relationships loss, extravagance and luxury, changes in sleep-wake style and so on are because of weaknesses in the cognitive, moral and religious beliefs and values, and organized media propaganda. They are major obstacles that have plagued many Muslim families and have led to a decline in moral values. This article is based on research conducted in libraries and documentation.

Keywords : Spiritual health, lifestyle, family life inconvenience, spiritual growth barriers